



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

# زن ، زبان و سیاست (در دوره معاصر)

استاد راهنما:

حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر علی اصغر سلطانی

نگارنده:

زهرا حمیدی منفرد

1385

تقدیم به ؛

همسر فرهیخته ام  
حجت الاسلام دکتر فیرحی که زندگی را در  
آموختن معنی کرد.  
و فرزندان عزیزم ؛ فرزانه، محمد حامد و  
فاطمه

## تقدیر و تشکر

در تدوین رساله حاضر از راهنمایان و مشاوره های بسیاری از اساتید ارجمندم بهره بردم و خود را رهین منت آنان می دانم. در اینجا باید به ویژه از استاد گرامی حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میر احمدی تشکر کنم که صبورانه هریک از فصول رساله را به دقت خوانده اند و رهنمودهایی راهگشا ارائه داده اند. همچنین باید از استاد گرامی دکتر سید علی اصغر سلطانی، که مشاوره این رساله را برعهده داشتند تشکر کنم. راهنمایان این اساتید چه در دوران تحصیل و چه در دوران تدوین این رساله برایم بسیار ارزشمند بوده است.

علاوه بر اساتید راهنما و مشاور، در اینجا باید به ویژه از حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی و حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای مهریزی که نکات بسیاری از آنان آموختم تشکر کنم.

## چکیده

موضوع زنان مسئله‌ای است که امروزه با توجه به تحولات پیش آمده از اهمیت خاصی برخوردار شده است. این تحولات از دوره مشروطه آغاز شده و با روندی پرشتاب تا به امروز ادامه داشته است.

ما در این نوشتار سعی نموده ایم مسئله زنان را با توجه به نظریه‌های جدید زبانی مورد تحلیل قرار دهیم.

دیدگاه‌های قدیم ظاهراً بر نظریه تصویری زبان تکیه داشت و با ایجاد تقسیم دو گانه، در تمام موضوعات قائل به دوگانگی زنان و مردان بودند که این دوگانگی‌ها در عین اینکه ذاتی و اصیل شناخته می‌شد شمولیت آن نیز عام و فراگیر بود.

دوگانگی در طبیعت، عقل و نص نه تنها زنان را با مردان متفاوت به تصویر می‌کشید بلکه آنها را در موضع فروتر نسبت به مردان نیز قرار می‌داد.

این دوگانگی‌ها تصویر تمام نمای عالم حقیقی و واقعی می‌شد که در جهان بازتاب داشت و کار افراد تنها شناختن این حقایق بود.

ورود به قرن معاصر و حضور فعالانه زنان که از مشروطه آغاز شد بازی زبانی جدیدی را ایجاد نمود که نظریه تصویری را به چالش کشید. مصادیق این تحولات را می‌توان در مشارکت اجتماعی و بویژه مشارکت سیاسی زنان، قضاوت و... شاهد بود.

توجه به نظریه کاربردی که با توجه به متن زندگی قابل توصیف است می‌تواند در تبیین این تحولات و مفاهیم تازه و قاعده‌های بوجود آمده این بازی زبانی جدید کمک نماید.

این قاعده‌ها عبارتند از ریاست جمهوری زنان، قضاوت، اشتغال و حجاب که هر چند هنوز کاملاً شفاف و تثبیت شده نیستند، ولی به مرور با توجه به تفاسیر افراد و نیاز جامعه ابهام زدایی می‌شود. در این نوشته سعی شده است تحولات سیاسی اجتماعی در باب مسائل زنان در دوره معاصر با تکیه بر دو نظریه، زبان تصویری و زبان کاربردی ویتگنشتاین بررسی شود.

واژگان کلیدی؛ زن، زبان، سیاست، ایران معاصر.



## فهرست مطالب

### مقدمه: طرح تحقیق 4

- 1- بیان مسأله: 5
- 2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن: 5
- 3- سابقه پژوهش: 5
- 4- سؤال اصلی پژوهش: 5
- 5- فرضیه های پژوهش: 6
- 6- مفاهیم و متغیرها: 6
- 7- سؤالات فرعی پژوهش: 6
- 8- پیش فرض های پژوهش: 6
- 9- اهداف پژوهش 6
- 10- روش پژوهش: 6
- 11- روش گردآوری اطلاعات و داده ها: 7
- 14- سازماندهی پژوهش: 7

### فصل اول: چارچوب نظری: زن، زبان و زندگی سیاسی 8

#### مقدمه؛ 8

- نظریه های زبانی 8
- 1 نظریه تصویری زبان 13
- 16 الگوی زنان در نظریه تصویری
- 2 نظریه کاربردی زبان 19
- بازیهای زبانی 20
- 20 خصوصیات بازیهای زبانی
- اتاق بصری 25
- 28 زنان و نظریه کاربردی زبان

*Error! Bookmark not defined.* فصل دوم: نظریه تصویری زبان و نسبت آن با زندگی سنتی

**Error! Bookmark not defined.** الگوی نظریه تصویری زبان (تکیه گاهها)

**Error! Bookmark not defined.** الف) طبیعت و دوگانگی ها

**Error! Bookmark not defined.** تفاوت در جسم و روان و احساسات

ب) عقل و دوگانگی ها.....47

*Error! Bookmark not defined.* تفاوت به علت وضعیت اجتماعی

*Error! Bookmark not defined.* دوگانگی در برابر قانون و حقوق اجتماعی

*Error! Bookmark not defined.* [ج\) نص و دوگانگی ها](#)

*Error! Bookmark not defined.* یگانگی در خلقت

*Error! Bookmark not defined.* تساوی در اعمال و حدود

*Error! Bookmark not defined.* ممانعت از ظلم به زن

**Error! Bookmark not defined.** چند همسری و طلاق

**Error! Bookmark not defined.** شهادت:

**Error! Bookmark not defined.** قصاص

**Error! Bookmark not defined.** تفاوت در ارث

**Error! Bookmark not defined.** ولایت مرد در قرآن

*Error! Bookmark not defined.* قرآن و حضور زن در اجتماع

*Error! Bookmark not defined.* دوگانه دیدن روایات

*Error! Bookmark not defined.* نهی از مشورت با زنان

*Error! Bookmark not defined.* زن و حکومت

*Error! Bookmark not defined.* تحصیل زنان

*Error! Bookmark not defined.* استفاده از روایات در دیدگاه سنتی

*Error! Bookmark not defined.* فصل سوم: مصادیق دوگانگی در زندگی زن مسلمان امروز

*Error! Bookmark not defined.* تثبیت نقش ها در آستانه اسلامی

*Error! Bookmark not defined.* دوگانگی ها و نظرات امام خمینی

*Error! Bookmark not defined.* رهبر انقلاب و توجه به دوگانگی ها

*Error! Bookmark not defined.* دو گانه دیدن تحصیل زنان

*Error! Bookmark not defined.* انقلاب اسلامی ایران و تحصیل زنان

*Error! Bookmark not defined.* دیدگاه دو گانه در مورد قصاص

	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	دوگانگی در امر سیاست
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	دوگانگیها در مشروطه
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	حکومت زن: از دیدگاه سنتی
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	قضاوت زنان از دیدگاه سنتی
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	دلایل طبیعی بر منع قضاوت زن
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	دلیل روایی عدم جواز قضاوت زن
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	دلایل عقلی ممانعت از قضاوت زن
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	دلایل مخالفین حکومت زنان
130	.....	1- آیات
130	.....	2- روایات
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	3- اصل عملی
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	4- نبود نمونه عینی
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	<u>موانع مشارکت سیاسی زنان:</u>
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	<u>فصل چهارم: زبان کاربردی و زنان</u>
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	مدل بازیهای زبانی زنان
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	کاربرد و فهم
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	تفسیر و معنا
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	اتاق بصری
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	قضاوت زنان
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	اشتغال
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	موانع اشتغال زنان
	<i>Error! Bookmark not defined.</i>	حجاب
	<b>Error! Bookmark not defined.</b>	<u>خلاصه و نتیجه گیری</u>
	.....	کتابنامه



مقدمه :

طرح تحقیق

### 1- بیان مسأله:

وضع دو گانه زنان در حوزه سیاسی، عمومی امروزه به یکی از مهمترین دغدغه ها تبدیل شده است. قبل از مشروطه تغییری در زندگی سیاسی زنان بوجود نیامد. بعد از مشروطه و ورود مفاهیم جدید این وضعیت دچار چالش جدی شد و هر چند نتایج عملی مثبتی برای زنان نداشت. ولی از جهت مطرح شدن مسایل زنان مهم محسوب می شود.

انقلاب اسلامی ایران با حضور گسترده زنان نشان از یکسونگری برنامه های شبه تجدد شاه بود جمهوری اسلامی با سه دهه تجربه هنوز با مسائل حل نشده در حوزه زنان روبروست. از سویی زنان با مشارکت سیاسی تشویق می شوند و از سوی دیگر محدود می شوند و زندگی سیاسی آنان آمیزه ای از اعتراض و انطباق و نوسان بین سنت و تجدد باقی می ماند در این تحقیق کوشش میکنیم از الگوهای تحلیل زبانی برای توضیح این دو گانگی ها استفاده کنیم .

### 2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن :

با توجه به کمبود منابع فارسی درباره تحلیل ها زبانی در مورد زنان .و اهمیت موضوع نسبت مسائل زنان با الگو های زبانی، این تحقیق می تواند به عنوان مقدمه ای بر تحلیل های زبانی مفید باشد.

### 3- سابقه پژوهش:

مسائل زنان در چارچوب گفتمان به بحث گذاشته شده است اما در چارچوب بحثهای زبانی تحقیق خاصی تا کنون صورت نگرفته است . (یا بدون اطلاع هستم )

### 4- سؤال اصلی پژوهش:

چه نبستی بین زبان و دوگانگی ها و تضادهای موجود در وضعیت کنونی زنان در حوزه سیاسی، عمومی وجود دارد؟

### 5- فرضیه های پژوهش:

دو گانگی زبان در زندگی روزمره ایران موجب ظهور دو گانگی ها و تضادهای موجود در وضعیت سیاسی، عمومی زنان شده است.

### 6- مفاهیم و متغیرها:

متغیر مستقل : دو گانگی های زبانی

متغیر وابسته : دو گانگی های سیاسی، اجتماعی زنان

### 7- سؤالات فرعی پژوهش :

1- چند نظریه زبانی وجود دارد؟

2- نظریه تصویری چه نبستی با دیدگاه سنتی دارد؟

3- نظریه کاربردی زبان یا بازنمایی زبان چیست؟

4- مصادیق مهم دو گانگی ها در حوزه زندگی زنان کدامند؟

### 8- پیش فرض های پژوهش:

نبست تحولات سیاسی، اجتماعی با تحول زبان چه بوده است.

### 9- اهداف پژوهش

اهداف علمی : درک دو گانگی زبان و تضادهای زندگی سیاسی زنان

اهداف اجرایی:

کمک به سیاست گذاران برای حل این دو گانگی ها

و توجه به وضعیت زنان

### 10- روش پژوهش:

نوع روش پژوهش : توصیفی، تحلیلی با تکیه بر الگوی تحلیل زبانی ویتگنشتاین است که در فصل اول توضیح داده شده است

#### 11- روش گردآوری اطلاعات و داده ها:

کتابخانه ای

#### 14- سازماندهی پژوهش :

این پایان نامه از یک مقدمه و طرح تحقیق تشکیل شده است. و شامل 4 فصل می باشد.

1- چارچوب نظری و رابطه زبان و زندگی روز مره

2- نظریه تصویری زبان و نسبت آن با زندگی سنتی

3- مصادیق مهم دوگانگی ها در زندگی زن مسلمان امروز

4- نظریه کاربردی زبان ، بارنمایی ها و دوگانگی های کنونی

در پایان نیز خلاصه و خاتمه و کتابنامه آورده می شود.

## فصل اول:

### چارچوب نظری:

## زن، زبان و زندگی سیاسی

### مقدمه:

### نظریه‌های زبانی و مسئله زن

وضعیت دوگانه زندگی سیاسی و اجتماعی زنان در ایران امروز تبدیل به یکی از دغدغه‌های اصلی شده است. سه دهه تجربه انقلاب اسلامی، هر چند با نوآوری‌های خاصی در حوزه مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی زنان همراه بوده ولی تعارض بین سنت و تجدد حل مشکلات را ناممکن می‌سازد. ورود مفاهیم جدید و نیز رویارویی با غرب منجر به تولید واژگان نو و به چالش کشیدن زندگی سنتی گردیده است؛ امروزه از سویی زنان به مشارکت در بیشتر حوزه‌ها تشویق می‌شوند و از سوی دیگر در برخی موارد اراده محدود سازی همچنان جریان دارد. زندگی سیاسی زنان آمیزه‌ای از اعتراض و انطباق؛ مقاومت و تسلیم و نوسان بین سنت و تجدد باقی می‌ماند.

برای تحلیل این وضعیت دوگانه از ابزارهای مختلفی استفاده شده است که تحلیلهای زبانی از آن جمله می باشد.

توجه به زبان و الزامات زبانی در تحلیل مسائل سیاسی امروزه کاربرد بیشتری یافته است. در این تحقیق بیشتر به آموزه‌های زبانی مهلم از ویتگنشتاین تکیه خواهیم کرد. زبان شفاهی جدید آنگونه که ویتگنشتاین در پژوهشهای فلسفی مد نظر داشت با نظریات قبلی زبان تفاوت‌های بسیار دارد.

الگوهای بیان شده در نظریه‌های زبانی عبارتند از:

1- نظریه نشانه‌ای زبان

2- نظریه تصویری زبان

3- نظریه کاربردی زبان

به نظر ویتگنشتاین نظریه نشانه‌ای زبان منسوب به اگوستین می باشد. در این نظریه هر کلمه‌ای در زبان اشاره‌ای به چیزی در بیرون است. نوع رابطه بین واژگان و اشیاء و معانی از نوع جابجایی بوده، بنابراین وضعیت قراردادی و دلالتی است. پس زبان منطقی در خود ندارد و هر جا شیئی غایب باشد کلمه‌ای جای آن می نشیند. عناصر این نظریه را می توان چنین تلخیص نمود:

1- واژگان نشانه معناست.

2- رابطه واژه و معنا از نوع جابجایی است.

3- گزاره‌ها ترکیبی از واژگان هستند که خودشان معنایی ندارند.

بنابراین واژگان اصالت ندارند و به مرور آموخته می شود، خصلت آن آموزشی است. در زبان اشاره‌ای، زبان به منزله نظامی از نشانه‌هاست که از طریق ارتباط داشتن هر نشانه با چیزی که بر آن دلالت دارد معنا پیدا می کند.

اساس این نظریه این است که زبان واژگانی قراردادی هستند که هیچ گاه واقع را باز نمی نمایند، بلکه به واقع اشاره دارند، زبانها نشانه‌اند که به مرور آموخته می شوند ولی بین آنها هیچ رابطه ذاتی نیست ( کلمه سیب با خود سیب یا علائم رانندگی) به همین خاطر با قراردادی جدید می توان علائم اشاره‌ای را عوض نمود و به

1 — داود فیرحی، جزوه کلاسی درس « نظریه‌های جدید در قرن بیستم»، قه: دانشگاه باقر العلوم (ع) نیم سال تحصیلی 83-.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

جای آن علائم دیگری قرارداد، افراد نیز تنها درون یک وضعیت خاص قادر به درک آن علائم و نشانه‌ها خواهند بود خارج از محدوده علائم بی معنا و نامفهوم می‌شوند ویتگنشتاین با نقل قولی از آگوستین؛ زبان را واژگانی می‌داند که کودک از بزرگسالان می‌آموزد و سپس خود به مرور آن را بکار می‌گیرد.

« هنگامی که انسان (بزرگترها) چیزی را نام می‌برند و در همین حال به سویی چیزی حرکت می‌کنند؛ این را من می‌دیدم و می‌فهمیدم آوایی که ادا می‌کنند چیزی را که می‌خواهند بدان اشاره کنند صدا می‌زنند... پس با شنیدن واژه‌هایی که مکرر در جایگاه درست خود در جمله‌های مختلف بکار رفته‌اند به تدریج یاد گرفتم که بفهمم به چه چیز دلالت می‌کنند و پس از آن یاد گرفتم با دهانم این نشانه‌ها را شکل دهم از آنها برای بیان خواسته‌های خود بهره گرفتم»<sup>۳</sup>

به نظر ویتگنشتاین توصیف آگوستین از زبان آموزی همانند سفر به سرزمین بیگانه است

«آگوستین یادگیری زبان انسانی را چنان وصف می‌کند که گویی کودک به یک کشور بیگانه آمده و زبان آن کشور را نمی‌فهمد؛ یعنی انگار پیشتر زبانی داشته، اما نه این زبان را.

یا باز هم به گونه‌ای دیگر: انگار کودک پیشتر می‌توانسته بیندیشد، فقط حرف زدن بلد نبوده و اندیشیدن اینجا معنایی دارد مانند «سخن گفتن با خود»<sup>۴</sup>

به نظر آگوستین زبان واسطه افکار و امیال ماست، ولی ویتگنشتاین آنرا فرایندی می‌داند که با توجه به نیاز ما و به مرور آموخته می‌شود، ویتگنشتاین در تقابل با نظریه آگوستین می‌نویسد: (این کودکان برای انجام دادن این اعمال بار می‌آیند. تا این واژه‌ها را به هنگام نیاز به کار برند و به همین نحو به کلمات دیگران واکنش نشان دهند).<sup>۴</sup>

در نظریه اشاره‌ای؛ زبان تنها برای اشاره بود بنابراین تنوع زبانی نیز اشکالی به وجود نمی‌آورد زبان و واژه در این جا هیچ معنایی ندارد و معنایی را هم نمی‌رساند؛ تنها علائمی قراردادی، دلالتی و مقطعی بوده نام اصالت دارد ولی جمله اصالتی ندارد.

پیشینه اصالت نام‌ها به زمانهای دور و به کتاب تورات می‌رسد. طبق این نظریه نامها به انسان یاد داده شده است:

(خداوند متعال بر روی زمین تمام حیوانات و بر آسمان تمام پرندگان را خلق کرد؛ و آنها را برای آدم آورد تا بنگرد او آنها را چه می‌نامد: و هر آنچه که آدم هر موجود زنده‌ای را نامید، از آن پس، نام آنها شد. و آدم به تمام چار پایان و به تمام پرندگان هوا و به هر حیوانی نامی نهاد.<sup>۵</sup>

2 - لودویک ویتگنشتاین، پژوهشهای فلسفی، ترجمه فریدون فاطمی - تهران: نشر مرکز، 1380، ص 29.

3 - همان، ص 51.

4 - همان.

5 - روی هریس، زبان، سوسور و ویتگنشتاین (ترجمه اسماعیل فقیه - تهران: مرکز، 1381، ص 22.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

این دودیدگاه زبانی: یعنی زبان به مثابه نشانه که در آگوستین برجسته است و نظریه تصویری زبان که ویتگنشتاین اول در رساله بدان پرداخته است در سنت فلسفی یونان نیز وجود داشته است. در سده چهارم قبل از میلاد دو نحله فکری به این مسئله پرداخته بود؛ زبان طبیعی و زبان دلخواهی در زبان طبیعی نامگذاری حالتی ذاتی داشته و تصادف و توافق در آن رد می شود. طبق این نظریه:

«هر شئی از اسم درستی برخوردار است که به طور طبیعی حادث شده است و هر چه را مردم بنا به توافق به چیزی اطلاق کنند نام آن نیست بلکه صرفاً جزئی از صدای خود را

در آن مورد بکار برده اند، حال آنکه نوعی درستی ذاتی در نامها وجود دارد که برای تمام ابناء بشر چه یونانیها و چه سخنگویان زبانهای بیگانه یکسان است.» ع

ولی در زبان دلخواهی عقیده این بود که انسان می تواند هر نامی را به اشیاء اطلاق کند.

“ نامها، صرفاً بر چسب‌هایی آوایی دلخواهی هستند که برای راحتی انسان ابداع شده‌اند... و هر نامی که

به شیئی اطلاق کنید نام درست آن شئی است ”. ۷

تقدیر چنین بود که این اختلاف بین دو نظریه که توسط شاگردان افلاطون بیان شده بود تا ظهور دین مسیح باقی بماند ولی هماهنگی کتب مقدس با آموزه‌های زبان طبیعی نظریه دلخواهی زبان را در حاشیه گذاشت.

“ مکتب جایگزینی این اصل را بدیهی می‌شمارد که واژه‌ها به این دلیل برای ما دارای معنا هستند که به چیز دیگری دلالت می‌کنند جایگزین آن هستند<sup>۸</sup> “. تا عصر روشنگری نیز تحت تأثیر کتب مقدس نامگذاری طبیعی مورد قبول بود و زبان را موهبتی الهی می‌دانستند. “ تکامل زبانشناسی نوین تا اندازه‌ای مدیون ناخوشنودی فلاسفه عصر روشنگری در مورد توضیح کتاب مقدس درباره خواستگاه زبان و تفاسیر بعدی است<sup>۹</sup> “ مهمترین نقدها را به این مکتب در قرن معاصر را، سوسور و ویتگنشتاین دوّم داشته‌اند.

“ سوسور در کتاب دوره تاکید می‌کند که نشانه زبانی را نمی‌توان صرفاً به منزله یک واقعیت روانی تبیین نمود... دیدگاه نامگذاری از دو جهت ناقص است. این برداشت به لحاظ برخورد ناپرورده و خام با واژه‌ها به

---

6 - همان، ص 24.

7 - همان، ص 25.

8 - همان، ص 27.

9 - همان، ص 22.



عنوان اسامی اشیاء نه تنها موفق نمی شود که واقعیت زبان را از دیدگاه فرد به درستی نشان دهد بلکه آن را به طور کلی از بعد اجتماعی نیز متنزع می کند. ۱۰

به نظر سوسور این فرایندهای نام گذاری یعنی متناظر نمودن واژه‌ها با اشیاء اشتباه می باشد به نظر او “ چندین ایراد بر این برداشت می توان داشت. اولاً پیشقرض این برداشت آن است که تصورات پیشاپیش مستقل از واژه‌ها وجود داشته‌اند این نوع برداشت مشخص نمی کند که آیا نام؛ یک موجودیت آوایی است یا روان شناختی... مضافاً اینکه این نوع رویکرد فرد را به این فرض رهنمون می کند که رابطه بین یک نام و یک شی کاملاً بدون مشکل است؛ حال آنکه اصلاً چنین نیست. با وجود این، این دیدگاه ساده اندیشانه، واقعیتی را در بردارد و آن اینکه واحدهای زبانی دارای ماهیتی دو گانه هستند، یعنی از دو عنصر تشکیل شده‌اند. ۱۱

ویتگنشتاین نیز با اندک تفاوت به نقد این نظریه پرداخته است. وی می گوید: “ به نظر من این عبارات تصویر ویژه‌ای از جوهر انسانی را ارائه می دهد که چنین است. “

واژه‌هایی جداگانه در زبان، نام اشیاء هستند و جملات ترکیبی از چنین اسامی هستند در این برداشت از زبان ما به ریشه و بنیاد این اندیشه می رسیم که: هر واژه‌ای دارای یک معناست این معنا با آن واژه همبستگی دارد. معنا آن شیء است که واژه به آن اطلاق می شود. ۱۲

در جمع بندی نهایی باید گفت: نظریه نشانه‌ای زبان در توصیف و تبیین مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله مسائل زنان نمی تواند کاربرد داشته باشد، زیرا این دیدگاه با قراردادی دانستن زبان، به نسبت زبان با تحولات اجتماعی بی توجه می شود. در مورد زنان زبان نقشی در حل مسائل آنان ندارد زیرا زبان دو پهلو و با ابهام روبروست، هر کس واژه‌ای را در هر موردی دوست داشت بکار می برد و قصد گوینده مشخص نیست. ما به یک چیز اشاره می کنیم ولی معلوم نیست هدفمان کدام بعد آن شیء است؛ شکل؟ رنگ یا ... ویتگنشتاین می پرسد:

“ و اشاره به شکل، اشاره به رنگ حاکی از چیست؟ به کاغذی اشاره کن و اینک به شکل آن اشاره کن حال به رنگ آن، اینک به عدد آن «که طنین خاصی دارد» چگونه این

کار را انجام دادید؟” ۱۳

10 - کتاب دوره‌ی زبانشناسی همگانی سوسور، همان، ص 30.

11 - همان، ص 29.

12 - همان، ص 28.

13 - ماری مک گین، ویتگنشتاین و پژوهشهای فلسفی، (ترجمه ایرج قانونی، تهران: نشر نی، 1382، ص 96.

حال اگر ما جواب را محدود به رنگ کنیم باز هم طیف‌های مختلفی از رنگ پیدا می‌شود هر رنگی در زمینه‌های مختلف متفاوت دیده می‌شود، هر کس آن را به گونه‌ای خاص می‌بیند، رنگ آبی آسمان در دید یک انسان غمگین متفاوت با دید یک انسان شاد است.

آیا می‌توان به رنگ خاصی اشاره کرد؟!

طبق این نظریه وقتی ما از مسائل زنان صحبت می‌کنیم باید بگوئیم به کدام زن اشاره می‌کنیم، زن سنتی یا زن امروزی، حال در زن سنتی به کدام خصوصیت او اشاره می‌کنیم، مادری، همسری یا ... اگر جواب را باز هم محدود کنیم در مادری؛ مادری در کدام زمینه آیا همه مادری را در یک زمینه می‌بینند؟ با تفاوت‌های پیدا شده؛ با علایق و سلیقه‌های بی‌شمار در جامعه نیمه سنتی و نیمه مدرن و تغییر ذهنیت افراد، هر کس مادری را در زمینه متفاوتی از دیگری می‌بیند و جوهی از آن برایش پر رنگ می‌شود که برای دیگری مهم نیست.

بنابراین به نظر می‌رسد نظریه اشاره‌ای زبان در مورد مسائل زنان جامعه ما قادر به بیان کردن مشکلات و حل آنها نیست و حیطه فعالیت زنان در گستره‌ای وسیع از تفسیرها و اشارات باقی می‌ماند.

## زن و نظریه تصویری زبان

نظریه تصویری زبان توسط ویتگنشتاین اول ۱۴ با کتاب تراکتاتوس / رساله مطرح شده است.

فرض این نظریه این است که زبان آئینه واقعیت می‌باشد و چون واقعیت منظم می‌باشد زبان نیز منظم می‌شود، پس با فهم واقعیت می‌توان زبان را فهمید و برعکس، به اعتقاد ویتگنشتاین مرزهای زبان یعنی مرزهای جهان و جهان تا جایی واقعیت دارد که در قالب زبان بگنجد.

پوزیتوسیم منطقی با قراردادن گزاره به جای واژه به دنبال کشف منطقی جهان برآمدند به نظر این گروه که " ویتگنشتاین نیز از آنها بود" ، بیرون در ذات خودش روشن می‌باشد آنچه اشکال دارد گزاره‌ها می‌باشد، لذا منطبق به گزاره کمک می‌کند تا بیرون شفاف دیده شود، در نتیجه با اصلاح زبان، بیرون کاملاً شفاف خواهد شد.

---

14 - لودویک ویتگنشتاین (1889-1951) صاحب دو اثر مهم است: رساله منطقی-فلسفی او در سال 1921 چاپ شد. و اثر دوم او که 25 سال کار فکری او بود، با نام پژوهش‌های فلسفی در 1953 و بعد از مرگش چاپ شد. این کتاب به نوعی نقد نظریه تصویری زبان است که در رساله بدان پرداخته بود. ویتگنشتاین اول با رساله منطقی، و ویتگنشتاین دوم با پژوهش‌های فلسفی شناخته می‌شود.

لذا جهان ریاضی است و منطق هم مثل ریاضی منظم است و زبان تصویری از جهان و منطق و اندیشه است.

به اعتقاد ویتگنشتاین «مسائل سنتی فلسفه و مسائل مابعدالطبیعی، نتیجه بد فهمی ما از زبان و کاربرد نادرست جمله‌های زبان درباره مفاهیم و چیزهایی است که بیرون از مرزهای آن هستند. ۱۵

به نظر این مکتب هر چند ذهن محدودیت دارد اما منطق موازی با جهان است و زبان تصویر منطقی جهان است، آنها عقیده داشتند در اندیشه نظمی است و در جهان نیز نظمی، بنابراین اگر گوشه ای از آن کشف شود بقیه موارد مجهول نیز قابل کشف است. ۱۶

اصول این نظریه به طور خلاصه عبارت است از:

1. جهان هستی همه آن چیزی است که در واقع وجود دارد.

2. آنچه وضع واقع است؛ وجود اوضاع امور یا وضعیت اشیاء است.

3. اندیشه همان جمله معنادار است.

4. اندیشه تصویر منطقی امور واقع است.

5. جمله تابع ارزش صدق قضایای اولیه است.

6. آنچه نمی‌توان درباره آن سخن گفت باید درباره‌اش سکوت کرد. ۱۷

جهان از نظر ویتگنشتاین اول مجموعه‌ای از امور واقع است و وظیفه زبان نشان دادن این امور می‌باشد. بنابراین وی بدنبال یافتن پایه‌های زبان می‌باشد و پایه زبان در نظریه او گزاره می‌باشد. به نظر او «فقط گزاره است که معنی دارد فقط درباقت یک گزاره است که یک نام نشانگری "معنی" دارد». ۱۸

گزاره‌ها نیز به دو نوع تقسیم می‌شود: گزاره با معنا و گزاره بی معنا، گزاره با معنا گزاره‌ای است که دارای صورت "یا ساختار" منطقی یکسان با واقعیت باشد. ۱۹

روش تشخیص گزاره با معنا از گزاره بی معنا نیز تجربه بود.

ویتگنشتاین با ارائه نظریه خویش ساختار و چارچوب آن را در موارد ذیل قرار می‌دهد:

---

15 - ویتگنشتاین، دیدگاه‌های دینی، نورمن ملک، (مترجم محمد هادی طلعتی - قم: دانشگاه مفید، 1383، ص 21.

16 - جزوه کلاسی دکتر فیروزی، پیشین.

17 - نورمن ملک، پیشین، ص 20.

18 - احمد خالقی، قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی - سیاسی معاصر - تهران: گام نو، 1382، ص 87.

19 - همان، ص 86.

ارائه صدق و کذب قضایا	“ مناظ صادق و کاذب بودن فعلیت یافتن آن است ”
صورت منطقی	“ عنصر مشترک میان تصویر و واقعیت ”
ضرورت منطقی	“ ضرورت تنها در چارچوب منطق قرار می گرفت ”
منطق زبان	“ هر آنچه زبان بیان کند — ناگفتنی‌ها خارج از زبان قرار می گرفت ”

۲۰

به نظرویتگنشتاین یک زبان ناب وجود داشت و واژه‌ها در هر منطقه‌ای استعاره‌ای از آن زبان ناب بود که در تحلیلها باید به این زبان مادر توجه می‌شد، چونان شهری که هر چند به مرور گسترش می‌یافت اما جوهر اصلی آن تغییر نمی‌یافت زبان ما را می‌توان چون شهری کهن انگاشت، هزار توی خیابانها و میدانها، کوچه‌ها، خانه‌های کهنه و نو و خانه‌هایی که افزوده‌هایی از دورانه‌های منظم و خانه‌هایی همسان دارند. ۲۱

هدف پیدا کردن این شهر ناب یا زبان ناب با کنار گذاشتن گزاره‌های بی‌معنی بود که امکان دیده شدن گزاره‌های بنیادین را که چون مرزی نامرئی بر این شهر خیالی کشیده بود را فراهم می‌ساخت. از این روی، این کتاب بر آن است تا برای اندیشیدن مرزی نهد؛ یا بهتر بگوییم، نه برای اندیشیدن، بل همانا برای بیان اندیشه‌ها مرز نهد: زیرا از بهر آنکه برای اندیشیدن مرزی بنهیم، بایستی بتوانیم هر دو سوی این مرز را بیان کنیم. در نتیجه این مرز را تنها در زبان می‌توان کشید و آنچه فراسوی این مرز قرار دارد بسادگی بی‌معنا خواهد بود. ۲۲

به همین خاطر مسائلی چون اخلاق و مسائل مابعدالطبیعه هر چند کاذب نیستند ولی چون در مرزهای منطقی ویتگنشتاین قرار نمی‌گیرند کنار گذاشته شدند.

مرزهای ویتگنشتاین نیز عبارت می‌شود از جهان، زبان و اندیشه و واقعیت نیز در قالب این سه قرار می‌گرفت و برای اینکه زبان بتواند این واقعیت‌ها را به خوبی انتقال دهد باید بوسیلهٔ منطق پیراسته شود. و آن نیز کنترل از طریق واژه‌ها و گزاره‌ها می‌باشد، زیرا جهان آئینه تمام‌نمای واقعیت بود که توسط اندیشه فهمیده شده و در زبان تجلی پیدا می‌نمود بنابراین ساختار زبان با زبان یکی انگاشته شد و همانگونه که می‌توان به امور واقع دست یافت با تحلیل زبان نیز می‌توان به گزاره‌های بنیادین رسید ولی ویتگنشتاین هرگز

---

20 - دیدگاه‌های دینی پیشین، ص 23 - 21، به صورت خلاصه آمده.

21 - پژوهش‌های فلسفی، پیشین، ص 38.

22 - لودویک ویتگنشتاین، رسالهٔ منطقی — فلسفی، م. دکتر میر شمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران، انتشارات امیر کبیر،

1371، ص 7.

نتوانست به گزاره‌های بنیادین برسد. «گزاره بنیادین» گزاره ای بود که قابل تجزیه نباشد. ولی وی نتوانست چنین گزاره ای را بیابد. بنابراین ایده‌های او با شکست روبرو شد چرخش زبانی او از زبان تصویری به زبان کاربردی نشان از همین شکست و لزوم توجه به زندگی روز مره مردم بود.

## الگوی زنان در نظریه تصویری

در مورد مسائل زنان به نظر می‌رسد این نظریه بسیار محافظه کارانه عمل می‌نماید فرض این نظریه این است که:

“ میان تصویر و آنچه به تصویر آمده شباهتی در ترکیب وجود دارد. به این معنا که صورت قضیه مطابق است با صورت واقعیت و اگر این شباهت در ترکیب، اختلاف ایجاد شود قضیه بی‌معنا خواهد بود.

مناطق صادق بودن یک قضیه تحقق و فعلیت یافتن آن در عالم و معیار کاذب بودن آن عدم فعلیت آن در عالم است. ۳۳

با این فرض وضعیت زنان با واقعیت‌های طبیعی آنان یکسان دیده شد. و زبان نیز باید تنها چون آئینه‌ای انعکاس این واقعیت باشد. لذا هر گونه تغییر و تحول در این حوزه بسته می‌نماید. این نظریه به امور آنچنان که هستند توجه می‌نماید و سعی می‌نماید تا هر چه بیشتر آن را شفاف و واضح نماید ولی در مورد اینکه این امور چگونه شکل گرفته‌اند و یا اینکه این امور بهتر است چگونه باشند ساکت است.

جهانی که این نظریه به تصویر می‌کشد همه در جایگاه خاصی قرار می‌گیرند که مطابق با واقع و درست می‌باشد و کار ما تنها این است که آن را بفهمیم و سعی نمائیم با آن منطبق شویم. به نظر قائلین به این نظریه تقسیم جهان به دو نیروی خیر و شر در همه طبیعت از جمله زنان جاری و ساری می‌باشد. دوگانگی در این نظریه حرف اول را می‌زند. مرز بین خوبی و بدی، تاریکی و روشنی، مذکر و مؤنث،... شفاف، روشن و غیر قابل تغییر است.

این نظریه وقتی وارد مسائل اجتماعی می‌شود مسؤلیتها و وظایف را دوگانه می‌بیند. وقتی روانشناسی می‌کند روحيات متفاوتند. تو گویی عده‌ای از ستاره و نوس آمده‌اند و عده‌ای از کره مریخ. رفتارها، بیماریها، علائق، میزان هوش و عاطفه و غیره در هر دو جنس کاملاً جدا و تعریف شده‌اند افراد چون سایه‌های لرزانی کنار هم حرکت می‌کنند، کسی باید خارج از محدوده آنها وظایف و مسؤلیتهاي آنان را

طبق استعدادهایشان تشخیص بدهد، الگویی واحد برای افرادی واحد و خروج از قوانین منطقی آن برهوت تنهایی را در پی دارد.

شعار آنها این است تجربه این را ثابت کرده؛ ولی به این امر که خود تجربه گرایی زیر سؤال رفته کار ندارند. طیف‌های وسیعی از مردم علاقمند به استفاده از این الگو در مسائل خود هستند در مورد زنان می‌توان گفت: گروه‌های سنتی و فمینیست‌های افراطی بیشتر در قالب این نظریه به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. گروه‌های سنتی که پیشینه تاریخی طولانی‌تری نسبت به فمینیست‌های افراطی دارند، تفاوت بین زنان و مردان را ناشی از طبیعت دوگانه آنان دانسته‌اند.

طبیعت دوگانه آنان به حقوق متفاوت این دو در مسائل اجتماعی و سیاسی و حقوقی می‌رسد. عدالت در این نظریه توجه به این تفاوتها، رعایت کردن آنها و عمل کردن به آن است. بنابراین از نظر سیاسی نیز به مسئولیت‌ها و وظایف دوگانه‌ای بین زنان و مردان می‌رسند حوزه فعالیت آنها متفاوت است. لذا مسئولیت آنها نیز با برادرانشان فرق خواهد نمود. وظیفه زن در چارچوب خانه با همسررداری و خانه‌داری و مواظبت از فرزندان تعیین می‌شود و مرد به ناچار وظایف سنگین خارج از خانه را عهده‌دار می‌شود.

دیدگاه فمینیست‌های افراطی نیز که توانسته در هوای جدید به طرح مسئله زنان پردازد با مطرح کردن تفاوت‌های جنسی بین زنان و مردان و ترجیح زنان بر مردان نگرشی دوگانه را در پی می‌گیرند. به نظر فمینیست‌های افراطی در تقسیم جنسیت این زنان هستند که جزء جنس برتر قرار می‌گیرند چون آنان:

*“ مردان را سبب اصلی ستم دیدگی زنان می‌دانند و قایل به تفاوت‌های جنسیتی بین این دو جنس می‌باشند. آنها مبارزه با مرد سالاری را روش اصلی دست یابی به برابری و*

*بازسازی تفکرات و ذهنیت زنان را اولین مرحله این مبارزه قلمداد می‌کنند.” ۲۴*

به نظر فمینیست‌های افراطی تسلط مردانه از طریق ابزارهای مختلفی صورت گرفته که اولین آنها وضعیت طبیعی خود زنان است. لذا آنان خواستار تغییر همه ساختارها از جمله زنانگی، نقش‌های اجتماعی، خانوادگی، مادری و همسری و غیره هستند.

با ترجیح جنس زنانه بر مردانه فمینیست‌های افراطی از زن فرا روایتی در مقابل فرا روایت‌های مردانه می‌سازند و سعی می‌کنند با چنگ انداختن به روان‌شناسی، طبیعت، تاریخ و غیره این تصویر را شفاف سازند.

---

24 — مقاله دولتی، فمینیسم، فلسفه سیاسی و سیاست‌های استعماری علیه زنان فصلنامه بانوان شیعه، سال دوم، شماره 5،

1384، ص 46.

به نظر آنها باید بنیان همه نظریات که در زیر سایه مردانه شگل گرفته شکسته شود ولی از بیان اینکه چه چیزی به جای آن ساخته خواهد شد ناتوان هستند.

به نظر ویتگنشتاین چنین تصاویری ما را اسیر می کنند و امکان برون رفت را مشکل می سازند:

*تصویر ما را اسیر می کند و نمی توانیم از آن بیرون شویم، زیرا در زبان ما نهفته است و به نظر می رسد زبان سرسختانه آنرا برای ما تکرار می کند. ۲۵*

هم گروه های سستی و هم گروه های فمسنیت افراطی در تحلیل خود از مسائل زنان برای خود آرمانهایی می سازند آرمانهایی که زیبا ولی دست نیافتنی هستند در آرمان گروه های سستی زن راضی و خشنود از وضعیت هزار ساله خویش به انجام وظایف خود مشغول است اگر زمانه تغییر یافته برای مردان عوض شده وظایف آنها بیشتر و پیچیده تر شده است، ولی برای زنان ساعت زمان مدتهاست که خوابیده است. در مقابل: فمینیست های افراطی نیز با آرمانهای دست نیافتنی تری به تخیل مشغولند.

آرمان جهان زنانه آنها بدون جنسیت، بدون قید و بند و در بعضی مواقع بشدت غیر اخلاقی به نظرمی رسد. ویتگنشتاین این آرمانها که تزلزل ناپذیر دیده می شوند می کند به نظر او این آرمانها ما را از پیشروی باز می دارند ظاهر قشنگ آنها ما را از پرداختن به کژی های درونی آن باز می دارد زیرا این آرمانها برای ما عینکی می سازند که دنیا را تنها از پشت آن می بینیم و سپس دلبخواهانه قضاوت می کنیم.

*آرمان آنگونه که در اندیشه ماست، تزلزل ناپذیر است. تزلزل ناپذیر است. هرگز نمی توانید از آن بیرون روید باید همیشه برگردید. بیرونی در کار نیست، بیرون نمی توانید نفس بکشید.*

*این آرمان از کجا می آید؟ مانند عینکی است بر بینی ما که هر چه را می نگریم از طریق آن می بینیم، هرگز به فکرمان نمی رسد که آنرا برداریم. ۲۶*

سعی ویتگنشتاین این است که ما را متوجه این عینک کند تا شاید با برداشتن آن مسائل را به گونه ای متفاوت ببینیم، این کاری است دشوار، مثل راه رفتن روی زمین ناهموار.

*زبان بالفعل را هر چه باریک نگرانه تر واریسی کنیم سستیز آن الزامی. که ما قایل می شویم تند و تیزتر می شود... اکنون آن الزام در خطر تهی شدن است. ما روی یخ لغزنده ای*

*آمده ایم که هیچ اصطکاک ندارد و لذا شرایط به یک مفهوم آرمانی هستند، اما درست به همین دلیل ما قادر به راه رفتن نیستیم، می خواهیم راه برویم پس نیاز به اصطکاک داریم برگردیم*

*به زمین ناهموار ۲۷*

در این وضعیت افراد به آرمانهایی می چسبند و آنرا از هر پیرایه ای می زدایند. سپس، با مثالها، نمونه ها و تعاریف چارچوب آنرا تزئین می نمایند و بر این زمین صیقل خورده از بلور ناب خود را تماشا می کنند.

25 - پژوهشهای فلسفی، پیشین، بند 115، ص 103.

26 - همان، بند 103، ص 99.

27 - همان ع بند 107، ص 100.

ولی آیا قادر به راه رفتن خواهند بود؟

گروه‌های سستی در مواجهه با مسائل جدید زنان، قادر به پاسخگویی و دادن راه حل نیستند؛ ناکارآمدی نظریات آنها در این مورد آنها را به چالش با این عرصه‌ها می‌کشاند. از سوی دیگر فمینیست‌های افراطی هم قادر نیستند، چارچوب یکسانی را برای افراد متفاوت از زنان ارائه دهند الگوی ارائه شده آنان برای زنان دنیا با علایق، اعتقادات و دغدغه‌های متفاوت نارسا و ناکارآمد دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد زمین ناهمواری که در آن اندیشه‌های متفاوت اجازه روئیدن داشته باشد چشم انداز زیباتری داشته باشد. نظریه تصویری زبان با دو گانه انگاری بین زنان و مردان مرزی می‌کشد که چون دو خط موازی تا بی انتها ادامه پیدا می‌کند ولی در جایی به همدیگر نمی‌رسند.

این نظریه چون شمشیری دو دم عمل می‌کند که دست هر کس باشد طرف دیگر خلع سلاح می‌شود بنابراین «محور ارجاع بررسی ما باید بچرخد اما حول نقطه ثابت نیاز واقعی ما» ۲۸ نیازی که در زندگی کاربرد پیدا می‌کند و زبان آن را برای ما بیان می‌کند. نظریه کاربردی زبان با توجهی که به پیوند با زبان و زندگی و فعالان آن دارد در پی پاسخگویی به این موارد است.

## نظریه کاربردی زبان

نظریه کاربردی زبان پیوند نزدیکی با زندگی روز مره مردم دارد که ما آنرا بر اساس کاربرد آن می‌فهمیم  
روش آن توصیفی است و هر توصیفی بر اساس نشانه‌ای است ولی خود نشانه چیست؟

هر نشانه به تنهایی مرده می‌نماید چه چیز به آن زندگی می‌بخشد؟ نشانه در کاربرد زنده است. آیا آنجا زندگی به آن دمیده شد یا کاربرد زندگی آن است. ۲۹

هر نشانه در ذات خود ذوجهات است بنابراین هر کس تفسیر متفاوتی از دیگری دارد هر کسی با توجه به زمینه‌ای که در آن زندگی می‌کند موضوع را متفاوت از دیگری تفسیر می‌کند و تنها کاربردهاست که به نشانه‌ها زندگی می‌بخشند، با عدم کاربرد مرگ نشانه فرا می‌رسد به طور خلاصه در ارتباط نشانه و کاربرد می‌توان گفت:

1. نشانه به تنهایی مرده است.

2. نشانه باید زنده شود تا معنا پیدا کند.

3. نشانه آنگاه زنده می‌شود که کاربرد داشته باشد.

4. هر نشانه با توجه به کاربرد و عدم کاربرد زنده و مرده می‌شود.

28 - همان، بند 108، ص 101.

29 - همان، بند 432، ص 234.



با کاربردی دیده شدن زبان ویتگنشتاین به نتایجی می‌رسد، انکار زبان واحد و اینکه درون یک زبان قاعده واحدی وجود داشته باشد. بنابراین نظریه کاربردی زبان با تأکید بر تکرر زبانها به تکرر فهم می‌رسد با قواعد زبانی فهم‌ها را تثبیت می‌کند و با بازیهای زبانی، مهارت مشارکتی فهم را به تصویر می‌کشد. در این نظریه چیزی در بیرون وجود ندارد، معنایی ذاتی کنار گذاشته می‌شود ما معنا را با توجه به زبان و کاربرد آن در زندگی می‌فهمیم آنرا تثبیت می‌کنیم و سپس تفسیر می‌نمائیم. ویتگنشتاین برای توضیح نظریه کاربردی زبان آنرا در قالب بازیهای زبانی توصیف می‌کند.

اینجا با اصطلاح بازی زبانی قصد برجسته ساختن این واقعیت را داریم که سخن گفتن به زبان بخشی از صورت زندگی است. ۳۰

## بازیهای زبانی

بازیهای زبانی مجموعه‌ای از توصیف‌های مختلف هستند که در زمینه اجتماعی و زندگی روزمره بازیکنان آن شکل می‌گیرد و افراد و نهادهای مختلف در آن مشارکت دارند. هر بازی با قواعدی شناخته می‌شود که آن را از دیگر بازیها متفاوت می‌نماید ولی در عین حال همه آنها به خاطر خصوصیت بازی بودنشان با هم مشترکند. هر کس با توجه به نقشی که در بازی دارد تعریف می‌شود این افراد باید از قواعد بازی پیروی کنند ولی در عین حال می‌توانند تغییراتی در آن بدهند. بنابراین با توجه به نیاز و ضرورت سعی در تقویت یا تضعیف بازی می‌نمایند که مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها و تضادها را بدنبال دارد.

## خصوصیات بازیهای زبانی ۳۱

1. بازیهای زبانی دارای تنوع و کثرت هستند.

2. بازیهای زبانی طبق عادات و فرهنگ مشترک شکل می‌گیرند.

3. هر بازی قواعد خاص خود را دارد که هم منعطف است و هم آنرا تحدید می‌کند.

4. بازیهای زبانی دارای شباهت خانوادگی هستند.

5. ما نمی‌توانیم از تمام قواعد بازی مطمئن شویم.

6. بازیها به عنوان موضوعهای مقایسه‌ای مطرح می‌شوند.

30 - همان، بند 67، ص 44.

31 - همان، بند های 13 و 66 و 67 و 68 و 84 و 54 و 130.

شبهات خانوادگی بازیهای زبانی این اجازه را به ما می‌دهد که ما در عین تفاوت‌های جزئی آنها را در یک گروه قرار دهیم مثل شباهت افراد یک خانواده به همدیگر با توجه به تفاوت‌های جزئی به همین خاطر به نظر ویتگنشتاین نشان دادن همانندیها و تفاوت‌ها در این الگو مطلوب می‌باشد.

برای بیان خصلت این همانندیها عبارتی بهتر از شباهت خانوادگی نمی‌توانیم بیابیم چون شباهت‌های گوناگون بین اعضای یک خانواده: قد و قامت، چهره، رنگ چشم... به همین

طریق همپوشانی و تقاطع دارند - و خواهیم گفت «بازیها یک خانواده را تشکیل می‌دهند. ۳۳»

هدف از بازیها نیز روشن افکندن بر واقعیت‌های زمانه با روش مقایسه بین آنهاست.

بازیهای زبانی روشن و ساده ما بررسیهای تدارکی برای انتظام دادن آتی زبان نیستند... بلکه این بازیهای زبانی به عنوان موضوعهای مقایسه برقرار شده‌اند که مقصود از آنها

روشنی افکندن بر واقعیت‌های زبان ما نه فقط از طریق مشابهت‌ها بلکه نیز از طریق عدم تشابه‌ها است. ۳۴»

وی هر چند بازیها را روشن افکندن بر واقعیت‌ها می‌داند ولی با همه اینها قبول ندارد که ما بتوانیم خارج

از بازی بایستیم و در مورد آن قضاوت نمائیم.

ویتگنشتاین می‌خواهد تأکید کند هیچ نقطه‌ای بیرون از بازی‌های زبانی نیست که بتوانیم عقب بایستیم و

از آنجا نسبت بین زبان و واقعیت را ارزیابی کنیم... و ببینیم که آیا زبان به حد کافی نماینده واقعیت هست یا

نه... ما همیشه درون فلان بازی زبانی عمل می‌کنیم پس ارزیابی کفایت بازی‌های زبانی از فراز تجربه مقدور

نیست، چون نقطه غیر زبانی و برتر از تجربه وجود ندارد که از آن بشود به اینگونه ارزیابی دست زد. ۳۴

هر چند ویتگنشتاین عقیده دارد که همه چیز در درون تجربه و زبان و بازیهای زبانی شکل می‌گیرد و

حتی بدون زبان فکر و اندیشه و مفاهیمی مثل درد و تجربه خصوصاً رنگ می‌بازند ولی همین قواعد و شناخت

آنها به ما کمک می‌کند که ما قادر باشیم که در درون بازی حرکت کنیم و ضمانت اجرای آن را فراهم نمائیم

نبود قواعد در بازی منجر به هرج و مرج ناکارآمدی خواهد شد. ۳۵

بنابراین شناخت قواعد بازی، نحوه عمل آنها در بازی و میزان اشتراک آنها با دیگر بازیها اهمیت دارد. هر

بازی قواعد خاص خود را دارد:

1. قواعد بازی قابل تغییر و تحول هستند.

---

32 - همان، بند 67، ص 77.

33 - همان، بند 130، ص 107.

34 - خالقی، پیشین، ص 100.

35 - روی هریس، پیشین، ص 160.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

دو. قواعد دارای شباهت خانوادگی هستند.

3. هرگونه دخل و تصرف در قواعد نیازمند مشارکت همگان می باشد.

4. قواعد هر بازی برای بازیکنان آن شفاف می باشد «اما باز هم بازی، اگر در قواعد ابهامی وجود داشته باشد بازی نیست»<sup>۳۳</sup>

به نظر ویتگنشتاین «قاعده مثل یک تابلوی راهنمای جاده است»<sup>۳۴</sup> به همین خاطر امکان تردید نیز بوجود می آورد که آیا ما مسیر را درست می رویم یا نه ولی به نظر می رسد افرادی که در یک بازی زبانی مشارکت دارند آنچنان قواعد متصلب و محکمی می سازند که امکان برون رفت از آن را ندارند.

و چنین می شود که در قاعده ها گیر می افتند، در اینجا «پیروی از یک قاعده شبیه اطاعت از یک دستور است. ۳۸ ولی با این حال ویتگنشتاین پیروی از یک قاعده را رویه ای می داند که طبق تفاسیر افراد امکان تغییر دارد ولی به وسیله قاعده ای دیگر «هر عملی که طبق قاعده انجام می گیرد تفسیر است اما باید اصطلاح تفسیر را منحصر کنیم به جانشینی یک بیان قاعده به جای بیانی دیگر». ۳۹

هر قاعده ای برای به فعلیت رسیدن نیاز به جامعه و افرادی دارد که آن را بکار ببرند رفتار مشترک کسانی که ما به وسیله آن زبانی ناشناخته را تفسیر می کنیم پس واژه «توافق» و واژه «قاعده» به یکدیگر ربط دارند پسر عمومی همدن به هر کس کاربرد یکی را بیاموزیم دیگری را هم یاد می گیرد». ۴۰ با همین توافق میان انسانها است که درستی و نادرستی قواعد نیز خود را نشان می دهد.

پس میگویند توافق انسانی تصمیم می گیرد چه چیز صادق است و چه چیز کاذب؟ آنچه صادق است یا کاذب آن چیزی است که آدمها میگویند؛ و آنان در زبانی که به کار

می برند توافق دارند این نه در توافق در عقاید بلکه در صورت زندگی است. ۴۱

یا به قول چامسگی «پیروی از قاعده در زندگی معمولی... [تا] مادامی [ادامه خواهد داشت] که فرد خود

را با رفتار اجتماعی یعنی شیوه زندگی آن انطباق دهد... [و این مستلزم] ارجاع به عرف یک جامعه است. ۴۲

---

36 - پژوهشهای فلسفی، بند 100، ص 98.

37 - همان، بند 85، ص 89.

38 - همان، بند 206، ص 158.

39 - همان، بند 201، ص 157.

40 - همان، بند 222، ص 164.

41 - همان، بند 241، ص 168.

42 - خالقی، پیشین، ص 99.

فرد از سویی ملزم به رعایت قواعد بازیهای هست که در آن نقش بازی می کند و از سوی دیگر می تواند قواعد را تا حدودی تغییر دهد وی برای تغییر این قاعده‌ها باید نقشهای متفاوت آن را در نظر داشته باشد و بسته به نیاز و شرایط از این نقشها استفاده نماید.

« آنچه قاعده بازی زبانی مینامد ممکن است نقشهای بسیار متفاوتی در بازی داشته باشد. » ۴۳

ولی ما چگونه از قواعد استفاده می کنیم آنها چه کمکی به ما می کنند و ساختار متصلب آنها چه میزان راه را بر نوآوری‌ها می بندد؟ به نظر ویتگنشتاین «قاعده ممکن است کمکی در یاد گرفتن بازی باشد... یا ابزار خود بازی یا اینکه قاعده نه در یاد دادن بازی به کار می آید نه در خود بازی... بازی را با تماشای اینکه دیگران چگونه بازی می کنند یاد می گیرند. اما ما می گوئیم بازی طبق فلان قواعد انجام می گیرد.» ۴۴

پس ما برای تشخیص نیاز به قواعد داریم و برای کارآمدتر شدن آن باید بدانیم که آیا بازیکنان طبق قاعده درست بازی می کنند یا نه؟ ولی با همه اینها «همه جا در احاطه قواعد نیست؛ اما برای این هم که در تنیس توپ را چه قدر یا با چه شدتی می توان بالا انداخت قاعده‌ای نیست؛ اما با همه اینها یک بازی است و قاعده‌هایی هم دارد. ۴۵

بهترین مثالی که ویتگنشتاین برای توضیح بازیهای زبانی و قواعد درون آن دارد بازی شطرنج می باشد تشبیه زبان به بازی شطرنج از آن رو مهم است که قواعد بازی شطرنج از پیش تعیین شده است هر مهره‌ای نقش خاصی دارد که باید طبق قاعده صورت بگیرد، نقشها ربطی به اشکال خاص خود ندارد مثلاً می توان مهره اسب را با شیء دیگری مثلاً مکعب عوض نمود ولی به آن نقش اسب داد، نقشها هر چند درون بازی کارکرد خاصی دارند ولی بسته به ذوق بازیکن می توانند با افزایش مانور نتیجه بازی را عوض کنند با همه اینها ما نمی توانیم به نقشها اختیارات یا امتیازات خاصی دهیم و دیگر نقشها را محدود نمائیم.

تمام هدف از قیاس با بازی شطرنج این است که قواعد، پیشاپیش تمام حرکت‌های ممکن را مشخص می کنند و اصول بنیادی بازی توسط بازیکنان به طرز انفرادی و به دلخواه

ایشان معین و مشخص نمی گردد.

---

43 - پژوهشهای فلسفی، پیشین، بند 53، ص 68.

44 - همان، بند 54، ص 68.

45 - همان، بند 68، ص 78.

بازیهایی که از این بابت شبیه شطرنج نیستند، اگر چه انصافاً می توان آنها را بازی به شمار آورد، هرگز الگوی مناسبی برای توضیح و برای نهادی زبان، انتظام و استقلال آن

عرضه نمی دارند. ۴۶

مسئله دیگر در بازی شطرنج معنا پذیری نقشها در کنار همدیگر و همپوشانی آنها در یک بازی مشترک است هر مهره به تنهایی هیچ کارکردی ندارد و تنها در کنار مهره های دیگر و کل بازی معنا پیدا می کند ولی اینکه ما بر اساس چه ملاکی مهره ها را جابجا می کنیم بسته به شرایط و اوضاع بازی دارد.

ما در بازی شطرنج فقط با حرکت دادن یک مهره بر روی صفحه شطرنج است به حرکت نمی زیم نه آنکه ما فقط به لحاظ داشتن افکار و احساسات همین در حین حرکت دادن مهره به این کار اقدام می کنیم، بلکه از آن روی که حرکت یک مهره بر روی یک صفحه تنها در اوضاع و احوالی که ما آن را بازی شطرنج، حل یکی از مسائل شطرنج و امثال آن می دانیم حرکتی را در شطرنج پی می ریزد. همچنین ویژگیستاین خاطر ما را از آنچه توام با حرکت است منصرف می کند و به زمینه یا اوضاع و احوالی متوجه می گرداند که در آن عمل □ بازی شطرنج □ انجام می گیرد. ۴۷

نتیجه دیگر همانندی بازی زبانی به بازی شطرنج از آن رو اهمیت دارد که این دو دو ویژگی متضاد زندگی روزمره را به ما می نمایانند.

“ بازیهایی مانند شطرنج از بسیاری از فعالیت های منظم بشری به وسیله ترکیب دو ویژگی ظاهرآ متضاد متمایز می گردند آنها در عین حال هم هدفمندند و هم بی هدف بدین معنا که چنین بازیهایی شرایطی را به بازیکنان خود تحمیل می کنند که همزمان با اجباری بودن اختیاری نیز هستند ” . ۴۸

بدین ترتیب ورود به یک بازی اختیاری است ولی وقتی وارد بازی خاصی شدیم دیگر ملزم به رعایت قواعد آن بازی هستیم و نمی توانیم دلخواهانه عمل کنیم، عمل دلخواهی یا دادن اختیار پیش از اندازه به یک مهره که آزادی عمل بیشتری نسبت به دیگران داشته باشد منجر به ناکارآمدی و آشفتگی بازی و توقف آن در عرصه عمل خواهد شد.

فرض کنید که تمام مهره ها مانند بازی شطرنج معیار حرکت بکنند به استثنای مهره اسب که بتواند مجاز به هر نوع حرکت بدون هیچ گونه محدودیت باشد. هر جنبشی که طرفدار اصلاح بازی شطرنج با دفاع از این پیشنهاد بوده باد در واقع اصولاً لغو بازی شطرنج را تبلیغ می کند نه به خاطر اینکه منجر به یک بازی متفاوت دیگر خواهد شد بلکه به لحاظ اینکه نتیجه اعمال این پیشنهاد اصولاً منجر به بازی نخواهد شد. اجازه دادن به مهره اسب که آزادی نامحدود در حرکات خود داشته باشد و به طور همزمان اصرار بر اینکه سایر مهره ها فقط مجاز به همان حرکات سنتی خود بوده باشند ما را از حیطة قابل بازی به حوزه غیر قابل می برد. ۴۹

46 - روی هریس، پیشین، ص 161.

47 - ماری مک گین، پیشین، ص 97.

48 - روی هریس، پیشین، ص 85.

49 - روی هریس، همان، ص 108.

در این الگوی تطبیقی اگر ما قائل به آن باشیم که جنبشهای طرفدار حقوق زنان بدنبال اصلاح وضعیت زنان هستند با چنین حرکتهایی مواجهه هستیم.

گروه‌های سنتی عقیده دارند که همه مهره‌ها باید طبق معیار حرکت کنند، در حالی که عدم توجه به تغییرات و شرایط زمانی و مکانی پیش آمده در حوزه زنان آن را با چالش روبرو می‌کند، زیرا در حالی که گروه‌های دیگر از آزادی بیشتری برای مانور و حرکت در جامعه استفاده می‌کنند از زنان خواسته می‌شود که در همان محدوده سنتی خویش باقی بمانند، بدین لحاظ با افزایش امکانات، سطح انتظارات بالا رفته و ناکافی بودن داده‌ها؛ میزان نارضایتی زنان را افزایش می‌دهد و نظام را با بحران روبرو می‌نماید. از سوی دیگر، فمینیست‌های رادیکال و افراطی نیز با تأکید بیش از حد به زن و مسائل آن خواستار حذف هر گونه نابرابری و تفاوت در مناسبات اجتماعی به نفع زنان هستند.

بی‌توجهی نسبت به مسائل دیگر، برخورد جدی با صورت مردانه در امور مختلف و جدایی حوزه زنان از مردان و در کل برتری زنانه بر طبیعت مردانه منجر به این شده که آنان خواستار آزادی نامحدود در حرکات خود باشند، اصرار به حرکت نامحدود و در عین حال توصیه به مهره‌های دیگر که در همان حرکت قبلی باقی بمانند. این بازی را نیز با ناکارآمدی مواجهه می‌نماید و به لغو بازی خواهد انجامید.

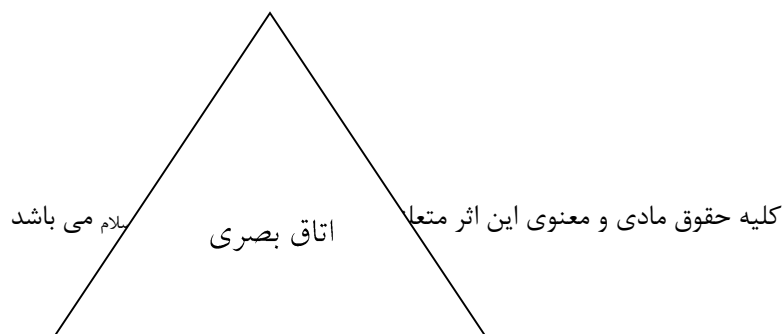
اینکه چرا این گروه‌ها چنین رویکردهایی را در پیش گرفته‌اند به میزان فهم آنان که در اتاق بصری شکل گرفته برمی‌گردد.

## اتاق بصری

وقتی افراد در بازی‌های مختلفی قرار بگیرند همدیگر را کمتر درک می‌کنند، برداشتها متفاوت دیده می‌شود و کار هر کسی برای دیگری نامفهوم و مبهم دیده خواهد شد، تو گویی هر کس در درون اتاقی است که او را از دیگران مجزا می‌کند این اتاق را، ویتگنشتاین اتاق بصری می‌نامد.

افراد در اتاق بصری خویش طبق قاعده عمل می‌کنند درون قاعده به نکاتی توجه می‌کنند که دیگران تا کنون به آن فکر نکرده‌اند، عمل به قاعده تثبیت را به دنبال دارد و هر نوع عملی خود نوعی تفسیر است “ هر چیزی را که تثبیت می‌کنیم در واقع تفسیر کرده‌ایم. قاعده، تفسیر و تثبیت، اضلاع اتاق بصری را می‌سازند.

قاعده



## تفسیر

## تثبیت

افراد در درون اتاق بصری قرار می‌گیرند که اتاق بازی‌ها است این اتاق به آنها حکم می‌کند که چنین حالتی را داشته باشند. هر قاعده بازی در هر لحظه یک اتاق بصری می‌سازد و افراد را در چشم اندازی قرار می‌دهد که واژگانش برایش تولید می‌شود، اتاق بصری ساختار دائمی ندارد و در تغییر و تحول است. ۵۰ ولی با همه اینها ما قادر نیستیم آن را توصیف کنیم، اتاق بصری اتاقی است که صاحبی ندارد.

“ اتاق بصری اتاقی است که صاحبی ندارد همان قدر می‌توانم صاحب آن باشم که می‌توانم در آن راه بروم، به آن نگاه کنم یا به آن اشاره کنم. همان قدر که نمی‌تواند مال کس دیگری باشد مال من هم نیست.” ۵۱

به نظر ویتگنشتاین اتاق بصری به کشفی می‌ماند و آن طریقه جدید سخن گفتن و یک مقایسه تازه است تصویرها وجود دارند ولی هر کس به نوعی آن را می‌بیند که از آن به عنوان تأثر بصری نام می‌برد.

چنانچه سعی ما بر این باشد که تأثرات بصری را تصویرهای حسی و شخصی جهان‌های بدانیم درخواهیم یافت که قادر نیستیم یقین کنیم که آنها چگونه چیزی هستند یا رابطه ما با آنها چگونه است... آنچه ویتگنشتاین می‌خواهد به ما تفهیم کند این است که این تصور خطاست که می‌اندیشیم بحث درباره تأثر بصری من یا برخورداری من از فلان تأثر بصری هستی جدیدی را به ما معرفی می‌کند، چیزی که هر گاه به شئی می‌نگرم در من هست و به نحو علی به تأثر دیگری پیوسته است... اتاق بصری به یک کشف می‌مانست اما به نظر ویتگنشتاین آنچه کاشف آن یافت طریقه جدید سخن گفتن بود مقایسه‌ای بدیع<sup>۵۲</sup>

هر کس با توجه به اتاق بصری خویش تصاویری را باز نمود می‌کنند که تأثر بصری نام می‌گیرد ولی همین تأثر بصری نیز امری شخصی و خصوصی نیست بلکه با توجه به کاربست تصاویر است که شکل می‌گیرد.

---

50 - جزوه کلاسی، پیشین.

51 - پژوهشهای فلسفی، پیشین، ص 221، بند 398.

52 - ماری مک گین، پیشین، ص 233.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تصویر وجود دارد و من درباره صحت آن مناقشه نمی‌کنم اما کار بست آن چیست؟ ... در مواردی بیشمار به خود برای یافتن یک تصویر فشار می‌آوریم و همینکه یافت شد

انگار که کار بست آن به خودی خود فراهم می‌آید. ۵۳

کار بست‌ها خود نیز در زمینه‌ای شکل می‌گیرند که ما در آن زندگی می‌کنیم بنابراین طبق شرایط زندگی آن را تفسیر می‌نمائیم.

تصویری می‌بینیم که نماینده یک چهره خندان است حالا اگر یک بار این خنده را مهربانانه تلقی کنیم و یک باز بدجنسانه چه کرده‌ام؟ آیا اغلب آن را با زمینه‌ای مکانی و زمانی

تصور نمی‌کنم که زمینه مهربانی یا بدجنسی است؟ ۵۴

بدین ترتیب ما می‌توانیم خنده را به دو صورت تفسیر کنیم اینکه خنده مربوط به بچه‌ای در حال بازی است یا خنده به رنج کشیدن دشمن، پس اگر زمینه‌ها عوض شود تفسیر هم عوض می‌شود و واکنش‌ها هم تغییر می‌یابد. حقایق با تفاسیر تغییر می‌کنند.

این واقعیت که همچنین می‌توانم موقعیتی را که در نگاه نخست لطف آمیز است با قراردادن آن در زمینه‌ای گسترده‌تر به گونه‌ای متفاوت تغییر کنم وضع را تغییر نمی‌دهد - اگر

احوال خاصی تفسیر مرا وارونه نکند یک خنده خاص را مهربانانه تلقی می‌کنیم، آن را «مهربانانه» می‌خوانم و مطابق آن واکنش نشان می‌دهم. ۵۵

نتیجه این نگرش باعث می‌شود که افراد برای حقانیت تصویرهای خویش اصرار نورزند. آنها می‌توانند به زمینه‌های شکل‌گیری برداشت‌ها و امکان‌های دیگر نیز فکر کنند و چنین می‌نماید که مرز تصاویر درست از نادرست در اینجا کم رنگ می‌شود. اصرار به داشتن تصویری درست و فرایندی به نام بازشناسایی آن از تصاویر غلط در این نظریه کنار گذاشته می‌شود.

آسان می‌توان تصویری نادرست از فرایندهایی که «بازشناسایی» خوانده می‌شوند داشت؛ انگار که بازشناسی همیشه عبارت است از مقایسه دو برداشت با یکدیگر، چنان است

که گویی تصویری از یک چیز را با خود حمل می‌کنیم و از آن برای انجام تشخیص هویت چیز دیگر به عنوان آنچه تصویر نماینده آن است استفاده می‌کنیم. به نظرمان می‌رسد حافظه‌مان

با نگهداری تصویری از آنچه پیش‌تر دیده یا با فراهم آوردن امکان نگرستن به گذشته " مثل دوربین دو چشمی " کارگزار این مقایسه باشد در واقع حقاً چنین نیست که گویی چیز را با

تصویری در کنارش مقایسه می‌کنیم، بلکه انگار چیز با تصویرش منطبق است پس من فقط یک چیز می‌بینم، نه دو. ۵۶

ولی این انطباق تصویر با خودش کمکی به شفاف‌سازی بیشتر نمی‌کند زیرا به نظر ویتگنشتاین تمام تصویرهای عالم مثل تصویر اردک و خرگوش تغییر می‌کنند ما با یک تصویر روبرو هستیم تصویری که گاهی آن را خرگوش و گاهی آن را اردک می‌بینیم.

---

53 - پژوهشهای فلسفی، بند 425 - 424، ص 231.

54 - همان، بند 539، ص 262.

55 - همان، بند 538، ص 262.

56 - همان، بند 604 و 605، ص 281.



دو تصویر می‌بینیم که در یکی اردک – خرگوش در احاطه خرگوشها است و در دیگری در احاطه اردکها. متوجه نمی‌شوم که آنها یکی هستند. آیا او این نتیجه می‌شود که من در این دو مورد چیزهای متفاوتی می‌بینیم؟ ۵۷

این‌جا تصویر عوض نمی‌شود ولی برداشت ما در هر یک از آنها با دیگری فرق خواهد داشت کسی که آن را خرگوش می‌بیند شروع به توصیفات می‌کند که با تصویرش منطبق است مثل نشان دادن عادات خرگوشها، گفتن غذای خرگوشها و غیره و سعی می‌نماید تصویر خودش را برای ما واقعی و شفاف نماید و دیگری که آن با توجه به ذهنیت خویش اردک دیده به اندازه همان اولی سعی می‌کند با بازنمایی و توصیف آنچه به نظرش واقعی می‌رسد اردک را به ما نشان بدهد البته امکان دارد تنها یک نفر با تعدد تصاویر مواجهه شود ما یکبار با یک دید تصویر را اردک ببینیم و بار دیگر خرگوش پس همه چیز با عدم وضوح روبرو می‌شود و هستی امری ناشفاف که هر دم با چهره‌ای خود را می‌نمایاند در زندگی روزمره نیز با این تصاویر مبهم و مخلق روبروئیم افراد با توجه به فضای اتاق بصری خویش مسائل را به گونه‌ای دیگر می‌بینند با تغییر شرایط زمانی و مکانی اتاق بصری آنها نیز عوض شده و تصویر دیگری در پیش چشم آنان نمایان می‌شود که در وقتی دیگر برای آنها امکان دیده شدن نداشت پس:

“ اختلاف دو تجربه بصری ناشی از تغییر عینی در خود آن شئی نیست، بلکه منبث از اختلاف در نحوه قرار گرفتن این تصویر به وسیله فاعل شناسا در دو زمینه گوناگون است.

۵۸

این نظریه با رد ذات گرایی و اصالت دادن به تصاویر، به اندیشه‌های مختلف اجازه رشد می‌دهد طبق این نظریه دیگر افرادی توانند به اصالت و درستی اندیشه‌های خود و منطبق دانستن آن با واقعیت‌ها اصرار بورزند و آنرا به همه کشورها تعمیم بدهند. درستی و نادرستی آنها در کارکردهایشان شناخته می‌شود.

## زنان و نظریه کاربردی زبان

نظریه کاربردی زبان به علت پیوند با زندگی روزمره به خوبی قادر است به توصیف وضعیت زنان بپردازد با رد ذات گرایی؛ تصاویری که از زن و مرد سنتی ارائه شده بود شکسته می‌شود و زن در زمینه‌های اجتماعی با

57 - همان، ص 347.

58 - ماری مک گین، پیشین، ص 243.

کارکردهای جدید توصیف می‌شود، زن تغییر ذاتی نمی‌کند بلکه با عوض شدن زمینه‌ها و شرایط؛ زن دیروزی با زن انقلاب و زن جنگ و زن امروزی تفاوت پیدا خواهد نمود.

امروزه گروههای سنتی بدون توجه به این کاربردها همچنان زن را در زمینه خانه‌داری، همسر داری و نقشهای سنتی او را به گونه‌ای می‌بینند که با نقشهای اجتماعی او در تعارض قرار می‌گیرد. در حالی که گروههای دیگر با توجه به تغییرات تصویر دیگری از زن ارائه می‌کنند که با تصویر اول متفاوت است. هر دو گروه نیز با آوردن دلایل و استنادات سعی در اثبات نظر خود دارند. بنابراین ما در جامعه با دیدگاههای متضادی روبرو هستیم که ناشی از فهم‌های متعارض آنهاست. هر کس درون اتاق بصری خویش با بازی زبانی و قاعده‌های ساخته شده‌ای روبروست که امکان برون رفت را نمی‌دهد. در این چشم انداز هر کس دیگری متهم به ناکارآمدی و انحراف نموده و نگرش بدبینانه و مشکوک به قواعد بازی دیگر گروهها دارد.

ما در ابتدا سعی می‌کنیم نظریه تصویری زبان که بر دوگانگی‌های ذاتی بین زنان و مردان تأکید دارد را در

فصل بعد دنبال کنیم و سپس به نظریه کاربردی زبان می‌پردازیم.